

گستره و قلمرو دفاع مشروع از دیدگاه مذاهب فقهی اسلامی

حجت‌الاسلام دکتر یعقوب‌علی برجی *

چکیده

دفاع مشروع در فقه مذاهب، گستره و قلمرو وسیعی دارد. در این مقاله تلاش شده تا ابعاد و مصادیق آن نمایانده شود. در شاخه دفاع سازمان‌یافته، تقسیمات فراوانی شده و این اقسام در مقاله مورد توجه قرار گرفته و نشان داده است که در این حوزه آن مقدار که در کتابها مطرح شده بین مذاهب اسلامی اتفاق نظر وجود دارد، اما در حوزه دفاع از جان عرض و مال در میان مذاهب مختلف دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد، به ویژه نسبت به دفاع از مال و عرض اقوال متعددی مطرح شده، و هر جا که فقیهان به ادله مطلب اشاره کرده‌اند، آن ادله نیز مورد توجه واقع شده است.

واژه‌های کلیدی: دفاع مشروع، دفاع سازمان‌یافته، دولت اسلام، دولت کفر، فقه.

دفاع مشروع در فقه و حقوق در حوزه بسیار وسیعی مورد بحث واقع شده است. فقیهان مذاهب مختلف ابعاد و مصادیق آن را برشمرده و درباره آن بحث کرده‌اند. یکی از انواع دفاع مشروع دفاع سازمان‌یافته از حکومت اسلامی و مسلمانان است. برای این نوع دفاع اقسام گوناگونی را می‌توان تصویر کرد. زیرا دفاع سازمان‌یافته یا از دولت و سرزمین خود است و یا

از دولت و سرزمین دیگران. در صورت دوم نیز دفاع یا از دولت اسلامی دیگر در برابر تهاجم دولت غیراسلامی است، یا از دولت اسلامی در برابر تهاجم دولت اسلامی سوم (ثالث)، یا از دولت کافر در برابر تهاجم دولت اسلامی، یا از دولت کافر در برابر تهاجم دولت کافر دیگر و یا برای حمایت از جان و مال اتباع خود در کشور دیگر.

دفاع سازمان یافته:

۱. از دولت خود در برابر تهاجم بیگانه

۲. از دولت دیگر

۱. ۱. دولت اسلامی دیگر در برابر تهاجم دولت غیرمسلمان

۲. ۲. دولت اسلامی دیگر در برابر تهاجم دولت مسلمان (ثالث)

۳. ۳. دولت کافر دیگر در برابر تهاجم دولت اسلامی

۴. ۲. دولت کافر دیگر در برابر تهاجم کافر دیگر

۳. برای حمایت از جان و مال اتباع

۱. دفاع سازمان یافته از دولت و سرزمین خودی

فقیهان همه مذاهب اسلامی به اتفاق آرا این نوع دفاع را وظیفه هر مسلمانی دانسته‌اند و از آن با عناوین مختلفی مانند دفاع از بلاد اسلام^۱، دار الایمان^۲، بیضه اسلام^۳، حوزه اسلام^۴، کلمه اسلام^۵ و... یاد کرده‌اند. مصداق روشن و قطعی این عناوین سرزمین اسلامی است که انسان در آنجا زندگی می‌کند. حلبی نوشته است: «اگر از سوی بعضی کافران و جنگ‌طلبان بیم تجاوز به سرزمین مسلمانان برود، بر اهالی تمام اقلیم‌هاست که با دشمنان متجاوز نبرد کنند»^۶.

این قسم از دفاع مصداق قطعی دفاعی است که در مقاله وجوب دفاع مشروع، وجوب آن از نگاه همه مذاهب فقهی با دلایل فراوان ثابت گردید. آنچه یادآوری‌اش در اینجا مهم است، تفسیر موسعی است که امام خمینی (قدس سره) از مفهوم تجاوز عرضه کرده است. امام بر این باورند که تجاوز دشمن را نباید در تجاوز و تهاجم نظامی خلاصه کرد، بلکه تجاوز مفهوم گسترده‌ای دارد و شامل تجاوزات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نیز می‌گردد.

اگر این ترس پیش آید که کفار از نظر سیاسی و اقتصادی بر سرزمینهای مسلمانان استیلا یابند و این استیلا منجر به آن شود که مسلمانان اسیر سیاسی و یا اقتصادی کفار شوند و اسلام و مسلمانان خوار و ضعیف گردند، دفاع واجب است؛ دفاع با وسایلی که شبیه به وسایل کفار

طهر

سال چهارم - شماره ۱۶ - زمستان ۱۳۸۴

باشد و همچنین دفاع با مقاومت منفی از قبیل نخریدن کالای دشمن و ترک استفاده از آن و ترک معامله و ترک ارتباط با آنان به طور مطلق.^۷

۲. دفاع از دولت اسلامی دیگر در برابر تهاجم دولت غیراسلامی

تمام عناوین و تعبیراتی که فقیهان برای دفاع سازمان یافته ذکر کرده‌اند، شامل این قسم از دفاع نیز می‌گردد. گروهی از فقیهان در خصوص مسئله فوق به طور صریح فتوا داده‌اند. نخستین فقیهی که در این باره فتوا داده، ابوالصلاح حلبی است. آن فرزانه جاوید نوشته است:

بر مسلمانانی که از منطقه جنگ بدورند، واجب است در صورتی که مسلمانان در حال نبرد با متجاوزان، به یاری آنان نیازمند باشند، به منطقه جنگی کوچ نمایند و با متجاوزان نبرد کنند.^۸

پس از ایشان، گروهی دیگر از فقیهان به صراحت بر مطلب فوق فتوا داده‌اند. شهید اول در دروس،^۹ شهید ثانی در *مسالك*^{۱۰} و نجفی در *جواهر الکلام* از آن جمله‌اند.^{۱۱}

فقیهان اهل سنت نیز متعرض این فرع شده‌اند و به وجوب دفاع از دولت اسلامی دیگر در برابر تهاجم دشمنان کافر فتوا داده‌اند. ابو عمر یوسف بن عبدالله نمری مالکی نوشته است:

اگر مسلمانان یک کشور از مقابله با دشمن عاجز باشند بر مسلمانان

کشورهای مجاور لازم است که برای دفاع از کشور همسایه خود خارج شوند.^{۱۲}

همچنین محمد بن احمد کلیبی مالکی در کتاب *القوانين الفقهية*،^{۱۳} ابن عابدین در حاشیه *در المختار*،^{۱۴} شربینی در *مغنی المحتاج* در شرح *منهاج الطالبین*^{۱۵} بر این مسئله تأکید کرده‌اند.

۳. دفاع از دولت اسلامی دیگر در برابر تهاجم نظامی دولت مسلمان (ثالث)

درباره این قسم از جهاد دفاعی، نظر صریحی از فقیهان به دست نیامد. شمول اطلاعات کلام فقیهان درباره این قسم مورد تردید است. به نظر می‌رسد این فرض مشمول آیه نهم سوره حجرات است. عده‌ای از مفسران و فقیهان بر این باورند که آیه بر این مطلب دلالت می‌کند که هنگام وقوع جنگ میان دو گروه (یا دو دولت) از مسلمانان، باید بین آنان صلح داد و اگر یک گروه (یا دولت) به ظلم علیه دیگری تجاوز نمود، بر دیگر مسلمانان است که با گروه ستمگر و متجاوز وارد جنگ شوند تا دست از ظلم بکشد.^{۱۶} از فقیهان صدر اول، راوندی آیه فوق را این گونه تفسیر کرده است.^{۱۷}

۴. دفاع از دولت کفر در برابر تهاجم دولت اسلامی

برای این نوع دفاع دو فرض قابل تصویر است:

الف) تهاجم دولت اسلامی به دولت کفر، نبردی مشروع است

در این فرض، بسیار روشن است که دولت اسلامی حق ندارد از دولت کفر حمایت و دفاع کند و اگر در حمایت از دولت کفر وارد نبرد شود، این نبرد دفاع مشروع نخواهد بود. شاید به خاطر وضوح مسئله، این فرض در کتب فقهی فریقین عنوان نشده است.

ب) تهاجم دولت اسلامی به دولت کفر، نبردی نامشروع است

در این فرض، پرسشی مطرح می‌شود: اگر در کشور کفر که مورد تهاجم یک کشور اسلامی واقع شده، عده‌ای مسلمان زندگی می‌کنند و در این تهاجم جانشان به خطر افتد، آیا آنان حق دارند از خود دفاع کنند؟ عده‌ای از فقیهان فریقین به مشروعیت چنین دفاعی فتوا داده‌اند، با این شرط که نیت مدافع دفاع از خود باشد نه کمک به دولت کفر. در همین فرض، این پرسش نیز مطرح است: آیا دولت اسلامی دیگر حق دارد به بهانه دفاع از جان مسلمانان با دولت اسلامی مهاجم وارد نبرد شود یا نه؟ این فرع در کتابهای فقهی عنوان نشده است.

شاید بتوان گفت تصمیم‌گیری در این امور به رهبر مشروع مسلمانان واگذار شده که طبق مصالح مسلمانان تصمیم‌گیری نماید.

۵. دفاع از دولت کفر در برابر تهاجم کفار

در این صورت نیز دو فرض قابل تصویر است:

الف) در اثر حمله کفار، جان تعدادی از مسلمانان ساکن در آن سرزمین به خطر افتد در این فرض، به اتفاق نظر فقیهان، مسلمانانی که در آنجا ساکن هستند حق دارند از خود دفاع کنند. شیخ طوسی در این باره فرموده است:

کسی که از سوی دشمن امان داده شده و در سرزمین دشمن زندگی می‌کند و در همان حال گروهی از کفار با آنان وارد جنگ شوند، بر مسلمانان جایز است که با گروه مهاجم نبرد کنند و قصدشان از این نبرد،

دفاع از خویشتن باشد نه همکاری با کافران و مشرکان.^{۱۸}

اما آیا دولت اسلامی حق دارد برای حمایت از مسلمانان به حمایت آن دولت برخیزد یا نه؟ فتوای صریحی از فقیهان در این باب به دست نیامد. اما ممکن است گفته شود این صورت از دفاع، مشمول عمومات و اطلاعات باب دفاع است.

طهری

دکتر محمدخیر هیکل، از دانشمندان اهل سنت، برای مشروعیت دفاع دولت اسلامی از جان مسلمانان ساکن در بلاد کفر، به آیه ذیل استدلال کرده است:

«ان الذین آمنوا وهاجروا وجاهدوا باموالهم وانفسهم فی سبیل الله والذین آوو و تصرفوا اولئک بعضهم اولیاء بعض والذین آمنوا ولم یهاجروا مالکم من ولا یتهم من شیء حتی یهاجروا، وان استصروکم فی الدین فعلیکم النصر الا علی قوم بینکم و بینهم میثاق والله بما تعملون بصیر»^{۱۹} در حقیقت کسانی که ایمان آوردند و هجرت نمودند و با اموالشان و جانهایشان در راه خدا جهاد کردند، و کسانی که پناه دادند و یاری نمودند، آنان برخی‌شان یاران برخی دیگرند. و کسانی که ایمان آوردند و مهاجرت نکرده‌اند، هیچ‌گونه ولایت و یاری آنان بر عهده شما نیست، تا اینکه هجرت کنند. و اگر در مورد دین (خود) از شما یاری طلبند، پس بر شما یاری (آنان واجب) است مگر بر ضد گروهی که میان شما و آنان پیمان محکمی هست، و خدا به آنچه انجام می‌دهید، بیناست.»

از آیه فوق استفاده می‌شود که دفاع از مسلمانان در بلاد کفر مشروط به سه شرط است:

۱. مسلمانان در خطر تقاضای یاری داشته باشند.
۲. موضوعی که باعث یاری طلبیدن است موضوع دینی باشد.
۳. دولت اسلامی با کسانی که علیه آنان درخواست یاری شده، پیمان نداشته باشد.

ب) اگر در این تجاوز جان مسلمانان به خطر نیفتاده باشد در این فرض، حمایت دولت اسلامی از دولت مورد تجاوز، مستلزم به خطر انداختن جان مسلمانان شرکت‌کننده در عملیات دفاعی است؛ لذا از نظر شرعی مجوزی نخواهد داشت.

ادامه گستره دفاع مشروع

دفاع از نفس، عرض و مال از دیدگاه فقیهان اهل بیت (علیهم السلام) فقیهان دوره آغاز اجتهاد، بدون هیچ اشاره‌ای به تفاوت میان این امور، بسیار مختصر به اصل وجوب دفاع از نفس و عرض و مال اشاره کرده‌اند.^{۲۰} نخستین فقیه‌ای که به تفاوت میان دفاع از جان و عرض با دفاع از مال تصریح کرده، علامه حلی است. وی در کتاب شریف قواعد الاحکام نوشته است:

انسان تا توان دارد واجب است از نفس و حریم دفاع کند و تسلیم شدن جایز نیست و انسان حق دارد از اموال خودش دفاع کند، لیکن دفاع از مال واجب نیست.^{۲۱}

شهید ثانی در شرح لعمه نظر علامه را تأیید کرده است.^{۲۲} از شهید اول در کتاب دروس تفصیل دیگری استفاده می‌شود. به عقیده ایشان، دفاع از جان و عرض مطلقاً واجب است، ولی دفاع از مال فقط در صورتی واجب است که مضطر به دفاع باشد و ظن غالب بر سلامت داشته باشد.^{۲۳} شهید ثانی در *مسالك الافهام*^{۲۴} و *فخر المحققین در ایضاح الفوائد*^{۲۵} نظر شهید اول را تأیید کرده‌اند.

دلایل وجوب دفاع از نفس و عرض

چنان که گذشت، وجوب دفاع از نفس و عرض مورد اتفاق همه فقیهان است. زیرا دفاع از جان و عرض از مصادیق روشن دفاع است و تمام دلایلی که برای وجوب دفاع ذکر شد، شامل دفاع از نفس و عرض می‌شود. افزون بر آن ادله، روایات خاصی درباره خصوص دفاع از نفس و اهل نقل شده است. از جمله در معتبره غیاث‌بن‌ابراهیم به نقل از امام صادق (علیه‌السلام) آمده است که امام باقر (علیه‌السلام) فرمود:

آن‌گاه که مردی بر شما هجوم آورد و قصد جان و مالت را داشت، اگر توانایی داشتی پیش‌دستی کن و ضربتی بر او بزن. پس همانا دزد با خدا و رسولش در حال کارزار است. هر آسیبی که از ضربت تو بر او وارد آید به عهده من است.^{۲۶}

در معتبره سکونی نیز می‌خوانیم که امام صادق (علیه‌السلام) به نقل از پدر بزرگوارش (علیه‌السلام) فرمود: «همانا خدا بنده‌ای را که به خانه‌اش هجوم آورند و او کارزار نکند و نبرد ننماید، دشمن می‌دارد».^{۲۷} و در صحیح‌ه حلبی چنین آمده است: «امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: امیرمؤمنان (علیه‌السلام) فرموده‌اند: آن‌گاه که دزد محارب بر تو هجوم آورد او را بکش. پس آنچه به او رسد، خونسش به گردن من».^{۲۸}

دلایل دفاع از مال

در مورد اصل حق دفاع از مال جای گفت‌وگو نیست و همه فقیهان پذیرفته‌اند که شخص مجاز است از اموال خود دفاع کند و نصوص هم بر این مطلب دلالت می‌کنند. آنچه جای گفت‌وگو دارد، این پرسش است: آیا دفاع از مال واجب است یا جایز؟

چنان که گذشت، از زمان علامه حلی به این طرف که بحث وجوب یا جواز دفاع از مال مورد توجه فقیهان قرار گرفته، فقیهان به عدم وجوب دفاع از مال فتوا صادر کرده‌اند.^{۲۹} تنها عده‌ای از فقیهان با شرایطی دفاع از مال را واجب شمرده‌اند. مثلاً شهید اول با دو شرط، دفاع از مال را واجب دانسته است: ۱. اضطرار؛ ۲. ظن غالب بر سلامتی.^{۳۰}

طهر

صاحب *جواهر* از نظریه فوق انتقاد کرده و نوشته است: «با اضطرار و نیاز شدید به مال (به خاطر حفظ نفس)، دفاع کردن واجب است ولو ظن سلامت نداشته باشد؛ چون این خود دفاع از نفس است نه مال».^{۳۱}

وی در ادامه می‌گوید: «آری، عده‌ای دفاع از مال را به ظن سلامت مقید کرده‌اند و این با اطلاق نصوص منافات دارد».^{۳۲} سپس به عنوان شاهد روایت برقی را ذکر کرده است. آن روایت این است:

برقی می‌گوید: از امام رضا (علیه‌السلام) درباره مردی سؤال کردم که به سفر رفته و جاریه‌اش هم با اوست و گروهی اراده کرده‌اند جاریه‌اش را بگیرند. آیا با فرض خوف از قتل، وظیفه دارد مانع ربوده شدن جاریه شود؟ امام فرمودند: آری. عرض کردم: آیا اگر همسرش با او باشد نیز همین وظیفه را دارد؟ فرمود: آری. عرض کردم: آیا در مورد مادر، دختر، دخترعم و دیگر نزدیکان با فرض خوف از قتل نیز همین وظیفه را به عهده دارد؟ فرمود: آری. عرض کردم: آیا در مورد اموالش هم همین وظیفه را دارد، با اینکه از کشته شدن هراسناک است؟ فرمود: آری.^{۳۳}

صاحب *جواهر* در ادامه نظر خود را این‌گونه ابراز کرده است:

پیشتر گذشت که بین دفاع از نفس و مال تفاوت است. دفاع از نفس واجب است و تسلیم شدن جایز نیست، به خلاف مالی که فقط نفس متوقف بر حفظ آن مال نیست. دفاع از چنین مالی واجب نیست. در این مسئله هیچ خلاقی نیست بلکه اجماع منقول و محصل بر آن دلالت دارد، به دلیل نصوص سابق.^{۳۴}

در صحیح محمد بن مسلم به نقل از یکی از دو امام (امام باقر یا امام صادق (علیهم‌السلام)) آمده است: امام فرمود: رسول خدا فرموده‌اند: «کسی که برای دفاع از مالش کشته شود شهید است». امام (علیه‌السلام) فرمود: «اگر من باشم مال را رها می‌کنم و نمی‌جنگم».^{۳۵}

صحیح حسین بن ابی‌العلاء که در ادله دفاع مشروع ذکر شد نیز بر این مطلب دلالت دارد.

امام خمینی (قدس سره) نیز در *تحریر الوسیله* دفاع از مال را واجب نمی‌داند.^{۳۶}

فاضل هندی در مسئله تفصیل دیگری دارد. به عقیده ایشان دفاع از مال واجب نیست،

مگر در چند حالت:

۱. نیاز شدید به مال داشته باشد. به گونه‌ای که اثر فقدان آن مال، ضرر فراوان به مدافع وارد شود؛ ضرری که عقلاً دفاع از آن واجب است.

۲. مال به صورت امانت در اختیار مدافع باشد.

وی در پایان می‌نویسد: «چه بسا دفاع از مال از باب نهی از منکر به طور مطلق واجب باشد».^{۳۷}

صاحب جواهر بر این نظریه نیز انتقاد کرده و نوشته است:

در مورد مال امانتی، ممکن است وجوب دفاع از آن را در حالتی که خوف ضرر وجود دارد منع کنیم؛ چون در این حالت، تعدی و تقریب در مورد مال امانتی صادق نیست و در مورد احتمال واجب بودن دفاع از مال از باب نهی از منکر، با وجود نصوص دال بر اجازه تسلیم مال، دیگر واجب بودن آن وجهی ندارد.^{۳۸}

حکم دفاع از نفس، عرض و مال از دیدگاه فقیهان اهل سنت ۱. حکم دفاع از نفس

فقه‌های حنفیه می‌گویند: هر کس به روی مسلمانان شمشیر بکشد کشتنش واجب است.^{۳۹} آنان برای این نظریه دو دلیل اقامه کرده‌اند. دلیل نخست این روایت است: «من شهر علی المسلمین سیفاً فقد ابطل دمه». دلیل دوم نیز عقل است، چون از نظر عقل دفع ضرر واجب است.

فقه‌های حنبلی دارای چهار عقیده (در حالات مختلف) می‌باشند که در مجموع می‌توان آنها را به دو گروه تقسیم کرد: الف) کسانی که دفاع از نفس را واجب می‌دانند. دلیل این عده آیه «ولا تقاتلوا بائدیکم الی التهلکة» است. دلیل دوم آنان این است که همان‌گونه که خودکشی حرام است، مباح کردن قتل خود بر دیگری نیز حرام است. ب) کسانی که دفاع از نفس را واجب نمی‌دانند. دلیل نخست آنان روایت ابن عمر از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است: «ما یمنع احدکم اذا جاء من یرید قتله ان یکون مثل ابی آدم: القاتل فی النار والمقتول فی الجنة». دلیل دوم آنان قول نبی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است: «اذا دخل احدکم فتنه فلیکن کخیر ابی آدم». دلیل سوم آنان نیز سخن پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) درباره فتنه است: «اجلس فی بیتک فان خفت ان یریک شعاع السیف فخطّ وجهک». دلیل چهارم نیز دفاع نکردن عثمان از خود است.^{۴۰}

فقه‌های مالکی بر دو عقیده‌اند. برخی قائل به وجوب آن شده‌اند و برخی به جواز آن معتقدند. قائلان به جواز به همان ادله مذکور استدلال کرده‌اند. قائلان به وجوب نیز ادله وجوب را ذکر کرده‌اند.

فقه‌های شافعی سه دسته‌اند:

الف) عده‌ای از آنان معتقدند دفاع از نفس در صورتی که مهاجم حیوان یا کافر ولو
ذمی باشد واجب است.^{۴۱}

ب) عده‌ای نیز معتقدند دفاع از نفس در صورتی که مهاجم مسلمان باشد واجب نیست،
بلکه تسلیم مستحب است!

ج) در نظر برخی نیز دفاع از نفس مطلقاً واجب است.^{۴۲}
گروه نخست ادله‌ای برای نظریه خود ذکر نکرده‌اند. دلایل گروه دوم نیز همان ادله مذکور
برای قائلان به جواز است. دلیل دسته سوم نیز آیه «ولا تلقوا بایديکم الى التهلكة» است.

۲. حکم دفاع از ناموس

فقه‌های شافعی در این باره سه نظریه دارند:

الف) برخی از آنان معتقدند دفاع از ناموس مطلقاً واجب است، اگر چه در برابر مقدمات
زنا مثل بوسیدن و نظیر آن، یا در برابر ناموس غیر باشد.^{۴۳}

ب) گروهی نیز بر آن اند که دفاع از ناموس واجب است، به شرط اینکه مدافع در نفس،
عضو و منافعش ایمن باشد. حکم دفاع در برابر مقدمات زنا نیز چنین است، زیرا این امور با
مباح کردن، مباح نمی‌شود.^{۴۴}

ج) به عقیده برخی از فقه‌های شافعی، تسلیم شدن زن در برابر کسی که به قصد زنا به او حمله
کرده، حرام است، هر چند که ترس از قتل خود داشته باشد؛ زیرا زنا به سبب اجبار، مباح نمی‌شود.^{۴۵}
اما فقه‌های حنفی در این باره دو نظریه دارند:

الف) برخی معتقدند اگر کسی مردی را در حال زنا با همسر خود یا دیگری ببیند،
می‌تواند او را بکشد.^{۴۶}

ب) برخی نیز بر آن اند که اگر زن راضی به زنا باشد، قتل او جایز است. همچنین اگر
زانی زن را مجبور به زنا کرده باشد، می‌تواند زانی را بکشد. همین‌طور پسر بچه حق کشتن
کسی را که به او تجاوز کرده دارد، به شرط آنکه دفاع متوقف بر قتل متجاوز باشد.^{۴۷}

فقه‌های مالکی در این باره به دو نظر قائل شده‌اند: قول به وجوب؛^{۴۸} و قول به جواز.^{۴۹}
فقه‌های حنبلی در این باره قائل به سه قول شده‌اند:

الف) برخی از آنان به وجوب قائل شده‌اند.^{۵۰}

ب) به نظر برخی دیگر، دفاع از ناموس در حالی که فتنه و آشوب نباشد جایز است.^{۵۱}

ج) عده‌ای نیز به قول به جواز مطلقاً قائل شده‌اند.^{۵۲}

۳. حکم دفاع از مال

فقههای حنفی دفاع از مال را جایز می‌دانند، ولی درباره مقدار مالی که قتل مهاجم برای دفاع از آن جایز است، اختلاف نظر دارند. بعضی از آنان می‌گویند: جایز است مدافع برای دفاع از مال خود بجنگد و مهاجم را بکشد، اگر چه مالش به حد نصاب نرسیده باشد. این گروه برای اثبات عقیده خود، به حدیث پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله): «قاتل دون مالک» استدلال کرده‌اند و گفته‌اند: اسم مال، بر مال کم یا زیاد اطلاق می‌شود. ۵۳

برخی دیگر می‌گویند: اگر مهاجم قصد سرقت مال شخص را داشته باشد، چنانچه آن مال ده درهم یا بیشتر باشد، صاحب مال حق دارد او را بکشد، ولی اگر کمتر باشد، حق دارد با او پیکار کند، ولی نمی‌تواند او را بکشد. ۵۴

گروهی از فقههای حنفی می‌گویند: اگر کسی در شب بر دیگری وارد شود و مالش را برآید و سپس صاحب مال او را تعقیب کند و بکشد مسئول نیست. آنها برای اثبات عقیده خود به حدیث پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله): «قاتل دون مالک» استدلال کرده‌اند. همچنین گفته‌اند: همان گونه که صاحب مال در ابتدا حق دارد مهاجم را از سرقت باز دارد، در نهایت نیز می‌تواند مال را از او بگیرد. ۵۵

فقههای حنبلی دارای اقوال زیر می‌باشند:

الف) گروهی بنا بر قول اصح، دفاع از مال را واجب می‌دانند. ۵۶

ب) گروهی دیگر بنابه قول صحیح، دفاع از مال را اگر چه منجر به قتل مهاجم شود جایز می‌دانند. ۵۷

ج) احمد بن حنبل درباره دزدانی که قصد جان و مال شخص را دارند می‌گوید: «با آنها مبارزه کن و جان و مال را از تجاوز آنان نگهدار». ۵۸

برخی از فقههای مالکی معتقدند اگر گرفتن مال موجب هلاکت یا حرج باشد دفاع واجب است. برخی نیز معتقدند دفاع جایز است. اما برخی می‌گویند: اگر گرفتن مال موجب هلاکت یا حرج نباشد، دفاع جایز است، اگر چه به قتل مهاجم بینجامد. ۵۹

فقههای شافعی درباره دفاع از مال دارای اقوال زیر می‌باشند:

الف) برخی از آنان دفاع از مال را در دو حالت زیر و بر حسب ملاحظات خارجی و مانند آن واجب می‌دانند:

۱. در صورتی که مال از آن محجور یا امانت متعلق حق به غیر، مثل رهن و اجاره باشد یا از دست دادن آن مستلزم نقس مقام، منصب، زبان و نظیر آن باشد، به شرط اینکه فرد به هنگام دفاع در مورد جانش ایمن باشد.^{۶۰}

۲. در صورتی که مال دارای روح باشد، مانند حیوان.^{۶۱}
بعضی از فقهای شافعی نیز قادر بودن مدافع یا سالم ماندن او را شرط دفاع از مال ذی‌روح دانسته‌اند.^{۶۲} ولی غزالی دفاع از مال را به طور مطلق واجب می‌داند.^{۶۳}
(ب) فقهای شافعی دفاع از مال را در دو حالت زیر جایز می‌دانند:

۱. اگر مال ذی‌روح و متعلق حق غیر نباشد.^{۶۴}
۲. دفاع از مال مطلقاً جایز است، اگر چه منجر به قتل مهاجم شود.^{۶۵}
(ج) فقهای شافعی دفاع از مال را در این صورت حرام دانسته‌اند: اگر مهاجم مجبور به اتلاف مال دیگری شود دفع او جایز نیست، بلکه باید جان مهاجم به وسیله مال حفظ شود.^{۶۶}
۴. دفاع از غیر

فقهای حنفی دفاع از نفس غیر را جایز می‌دانند.^{۶۷} در نظر فقهای حنبلی، بنابر قول مصحح این دفاع واجب است.^{۶۸} عده‌ای نیز آن را به شرط اقمای سلامت مدافع واجب دانسته‌اند.^{۶۹} برخی دیگر نیز آن را اگر فتنه و اختلافی در کار نباشد، واجب دانسته‌اند.^{۷۰}
برخی از فقهای شافعی این دفاع را واجب می‌دانند.^{۷۱} برخی نیز معتقدند اگر مهاجم کافر باشد، این دفاع واجب و گرنه جایز است.^{۷۲}

فقهای مالکی نیز معتقدند اگر مدافع به سبب جراحت احتمالی خود یا یکی از افراد خانواده‌اش ترس از هلاکت یا آسیب شدید داشته باشد، دفاع واجب است و در غیر این صورت جایز خواهد بود.^{۷۳}

در مورد دفاع از ناموس غیر نیز باید گفت: بنابر یکی از دو رأی فقهای حنبلی^{۷۴} و ظاهر مذهب حنفی،^{۷۵} دفاع از ناموس غیر جایز است.

همچنین یکی از دو رأی فقهای حنبلی به شرط احتمال سلامت ناموس آن را واجب و الا حرام می‌داند.^{۷۶}

فقهای شافعی نیز آن را در صورتی که مدافع از جانش ایمن باشد، واجب می‌دانند.^{۷۷} اما درباره دفاع از مال غیر نیز باید گفت: برخی از فقهای حنبلی دفاع از مال غیر را به شرط احتمال سلامت مال^{۷۸} و برخی دیگر بدون شرط سلامت^{۷۹} جایز می‌دانند. فقهای شافعی نیز دفاع از مال غیر را جایز دانسته‌اند.^{۸۰}

بی نوشتہا:

۱. ۲۰. الکافی فی الفقہ، ضمن سلسلۃ النبایع، ج ۹، ص ۳۲؛ علی بن ابی بکر مرغینانی حنفی، الہدایۃ، ضمن المصادر الفقہیۃ، ج ۱۲، ص ۵؛ بکر بن مسعود کاشانی حنفی، بدائع الصنائع، ج ۱۲، ص ۱۷؛ ابو عمر یوسف بن عبداللہ مالکی، الکافی فی فقہ اہل المدینہ، ضمن المصادر الفقہیۃ، ج ۱۲، ص ۲۲۳؛ منہاج الطالبین، ضمن المصادر الفقہیۃ، ج ۱۳، ص ۶۸۰
۲. المبسوط، ج ۲، ص ۸؛ سرائر، ص ۴۴۶.
۳. النہایۃ، ص ۲۸۹.
۴. سرائر، ضمن سلسلۃ النبایع، ج ۹، ص ۱۷۶.
۵. الکافی فی الفقہ، ضمن سلسلۃ النبایع، ج ۹، ص ۳۱.
۶. تحریر الوسیلۃ، ج ۱، ص ۴۸۵، م، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
۷. ابوالصلاح حلبی، الکافی فی الفقہ، ضمن سلسلۃ النبایع، ج ۹، ص ۳۱.
۸. شہید اول، الدروس، ص ۳۰.
۹. شہید ثانی، مسالک، ص ۱۱۶.
۱۰. جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۱۹.
۱۱. الکافی فی فقہ اہل المدینۃ، ضمن المصادر الفقہیۃ، ج ۱۲، ص ۲۲۳.
۱۲. القوانین الفقہیۃ، ضمن المصادر الفقہیۃ، ج ۱۲، ص ۲۷۹.
۱۳. حاشیہ ابن عابدین، ج ۳، ص ۳۳۴.
۱۴. مغنی المحتاج، ج ۴، ص ۲۱۹.
۱۵. مقدس اردبیلی، زیادۃ البیان، ص ۳۱۹.
۱۶. راوندی، فقہ القرآن، ج ۹، ص ۱۴۴، ضمن سلسلۃ النبایع الفقہیۃ.
۱۷. النہایۃ فی مجرد الفقہ والفتاوی، ص ۲۹۱.
۱۸. انفال: آیہ ۷۲.
۱۹. النہایۃ، ص ۲۸۹؛ المبسوط، ج ۲، ص ۸؛ الرسائل العشر، ص ۲۴۵؛ المراسم العلویۃ، ج ۹، ص ۶۸؛ المہذب، ج ۹، ص ۸۰؛ فقہ القرآن، ج ۹، ص ۱۱۳؛ غنیۃ النزوع، ج ۹، ص ۱۵۱؛ الوسیلۃ، ج ۹، ص ۱۵۹. (بہ جز سہ مأخذ نخست، دیگر منابع ضمن سلسلۃ النبایع الفقہیۃ چاپ شدہ اند.)
۲۰. قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۵۷۱.
۲۱. شرح لمعہ، ج ۹، ص ۳۴۸.
۲۲. الدروس، ج ۲، ص ۵۹.
۲۳. مسالک الافہام، ج ۳، ص ۱۲.
۲۴. ایضاح الفوائد فی شرح القواعد، ج ۴، ص ۵۴۵.
۲۵. وسائل الشیعۃ، ج ۲۸، ص ۳۸۴، باب ۵ از ابواب «دفاع»، ح ۱.
- ۲۶ و ۲۷. همان، ج ۱۵، ص ۱۱۹ و ۱۲۱، باب ۴۶ از ابواب «جہاد عدو»، ح ۲ و ۷.
۲۸. قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۵۷۱.
۲۹. الدروس الشرعیۃ، ج ۲، ص ۵۹.

طہر

سال چهارم - شماره ۱۲ - زمستان ۱۳۸۴

۵۸

۳۱. جواهر الكلام، ج ۴۱، ص ۶۵۳
۳۲. همان، ص ۶۵۲
۳۳. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۲۲، باب ۴۶ از ابواب «جهاد عدو»، ج ۱۲.
۳۴. جواهر الكلام، ج ۴۱، ص ۶۵۲
۳۵. وسائل الشیعة، ج ۲۸، ص ۳۸۳، باب ۴ از ابواب «الدفاع»، ج ۱.
۳۶. تحرير الوسيلة، ج ۱، ص ۴۸۸، م ۱۰، قسم ثانی.
۳۷. كشف اللثام، ج ۲، ص ۴۳۴.
۳۸. جواهر الكلام، ج ۴۱، ص ۶۵۴
۳۹. تبیین الحقایق، زیعلی حنفی، ج ۶، ص ۱۱۰: الدر المختار، ابن عابدین حنفی، ج ۵، ص ۴۸۱.
۴۰. الانصاف، مرداوی حنبلی، ج ۱۰، ص ۳۰۴: المقنع و حاشیه آن، ابن قدامه حنبلی، ج ۳، ص ۵۰۶.
۴۱. المنهاج، نووی، ص ۵۳۶.
۴۲. مغنی المحتاج، شربینی، ج ۴، ص ۱۹۵.
۴۳. المنهاج، نووی، ص ۵۳۶: المنهج، انصاری، ص ۱۱۸.
۴۴. تحفة الطلاب، انصاری، ج ۲، ص ۴۴۳.
۴۵. نهاية المحتاج، رملی، ج ۷، ص ۱۷۶.
۴۶. الدر المختار، حصفکی، ج ۵، ص ۴۹۳.
۴۷. رد المختار، ابن عابدین، ج ۵، ص ۴۹۳.
۴۸. حاشیه شرح الکبیر، دسوقی، ج ۴، ص ۳۵۷.
۴۹. شرح مختصر خلیل، خرشی، ج ۸، ص ۱۱۲.
۵۰. حاشیه المقنع، ابن قدامه، ج ۳، ص ۵۰۶.
۵۱. الروض الربیع، بهوتی، ج ۳، ص ۳۳۲.
۵۲. الانصاف، مرداوی، ج ۱۰، ص ۳۰۵.
۵۳. رد المختار، ج ۵، ص ۴۸۲.
۵۴. الدر المختار، ج ۵، ص ۴۸۲.
۵۵. همان، ص ۴۸۳.
۵۶. حاشیه المقنع، ج ۳، ص ۵۰۶.
۵۷. همان.
۵۸. المغنی، ابن قدامه، ج ۹، ص ۱۶۴.
۵۹. حاشیه شرح الکبیر، ج ۴، ص ۲۴۴.
۶۰. مغنی المحتاج، ج ۴، ص ۱۹۵.
۶۱. نهاية المحتاج، ج ۷، ص ۱۷۶.
۶۲. مغنی المحتاج، ج ۴، ص ۱۹۵.
۶۳. احیاء العلوم، ج ۲، ص ۲۲۶.
۶۴. نهاية المحتاج، ج ۷، ص ۱۷۵.
۶۵. المنهاج، ص ۵۳۶.

۶۶. نهاية المحتاج، ج ۷، ص ۱۷۶.
 ۶۷. حاشية التبيين، سكبى، ج ۶، ص ۱۱۰.
 ۶۸. حاشية المنع، ج ۳، ص ۵۰۶.
 ۶۹. الانصاف، ج ۱۰، ص ۳۰۶.
 ۷۰. منتهى الارادات، ابن بخار، ج ۲، ص ۴۹۳.
 ۷۱. نهاية المحتاج، ج ۷، ص ۱۷۷.
 ۷۲. المنهاج، ص ۵۳۷.
 ۷۳. حاشية مختصر خليل، عدوى، ج ۸، ص ۱۱۲.
 ۷۴. المغنى، ج ۹، ص ۱۶۵.
 ۷۵. رد المختار، ج ۵، ص ۴۹۳.
 ۷۶. منتهى الارادات، ج ۲، ص ۴۹۳.
 ۷۷. نهاية المحتاج، ج ۷، ص ۱۷۷.
 ۷۸. حاشية المنع، ج ۳، ص ۵۰۶.
 ۷۹. الاقناع، حجاوى، ج ۴، ص ۲۹۰.
 ۸۰. المنهاج، ص ۵۳۶.



پرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

طهر

سال چهارم - شماره ۱۶ - زمستان ۱۳۸۴